

## بهائیت آیین صلح یا مسلک خشونت؟

حمزه احمدی<sup>۱</sup>

چکیده

یکی از تعالیم بهائیت وحدت عالم انسانی و ایجاد صلح جهانی است. بهائیت ادعا می‌کند که تعالیم و آموزه‌های آنان می‌تواند منجر به وحدت عالم و صلح جهانی شود. در این تحقیق به بررسی این سؤال که آیا واقعاً بهائیت، آیین صلح است یا مسلک خشونت؟ پرداخته شد. در این پژوهش نخست، پس از بررسی مفاهیم و اصطلاحات، اثبات شد که بهائیت یک دین و آیین نیست، بلکه یک فرقه است و در ادامه به تبیین ادعای بهائیت در صلح جهانی و راهکار آنان در جهت رسیدن به این موضوع آورده شد که هر یک از این راهکارها صرفاً در حد یک شعار است و در مرحله اجرا، عملیاتی نیست و در پایان به بررسی انواع خشونت یعنی خشونت معنوی و فیزیکی در بهائیت مورد بررسی قرار گرفت. خشونت معنوی مانند توهین، افترا، عدم ارتباط با طرد شدگان و غیره به وفور در کتاب‌های آنان مشاهده می‌شود و خشونت فیزیکی نیز در نزاع‌ها و درگیری‌های فردی و گروهی مانند فتنه قلعه طبرسی، زنجان، نیریز و غیره مشهود است.

کلید واژه: بهائیت، آیین، فرقه، صلح، مسلک، خشونت.

۱. دانش‌پژوه فرق انحرافی موسسه آموزش عالی خاتم النبیین (ع).  
www.ahmadi.com

خسونت در شمار آن دسته از پدیده‌های اجتماعی است که به رغم تنفر و بیزاری بشر از آن، در تمامی ادوار تاریخ زندگی اجتماعی و تعامل افراد، در بین گروه‌ها، نهادها، ملت‌ها و دولت‌ها کم و بیش حضور داشته است. یکی از مهم‌ترین اهداف هرکشوری، کاهش خسونت در سطح اجتماع است؛ زیرا خسونت به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی، سبب تضييع سرمایه‌های ملی می‌شود. به عنوان مثال نزاع‌های خیابانی که با هر یک از فشارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در سطح فردی و اجتماعی تشدید می‌شود؛ سلامت روانی جوامع و سرمایه‌های ملی را تهدید می‌کند و مشکلات فراوانی برای مردم جامعه به بار می‌آورد. حال در این جوّ تنفر و بیزاری بشر از خسونت، اگر مسلکی مانند بهائیت با شعارهای زیبا ادعا کند که دین آنان جهانی و آموزه‌هایش بر مبنای صلح، آرامش و وحدت عالم انسانی بنا شده است. در مرحله نخست ذهن هر انسانی را به خود جلب می‌کند که آیا واقعاً بهائیت آیین صلح است؟ و در عمل نیز آیا رهبران بهائی و پیروان‌شان صلح و آرامش را سرلوحه خود قرار داده است یا نه؟

این نوشتار در صدد تبیین و بررسی دقیق این سؤال است که آیا بهائیت آیین صلح است یا مسلک خسونت؟

در پیشینه این بحث، کتابی که در این زمینه به رشته تحریر درآمده با عنوان «خسونت ابزار بهائیت» نوشته «جمعی از نویسندگان» است که این کتاب

یکسری وقایع تاریخی مانند قلعه طبرسی، زنجان و غیره را مورد بررسی قرار داده و سپس علت و نحوه شهادت شهید ثالث ملا محمد تقی برغانی، ترور ناصرالدین شاه به دست عمال بهائیان، اختلافات بین بهائیان و ازلیان و غیره را مورد بررسی قرار داده است.

کتاب دیگر با عنوان «بهائیان» نوشته «سید محمدباقر نجفی» است که ایشان در ضمن فصلی به وقایع تاریخی خشونت و فتنه‌های بهائیت پرداخته است. مقاله‌ای با عنوان «وحدت عالم انسانی یا وحدت بهائیت؟» نوشته «مریم آگاه» که ایشان در این مقاله تعلیم وحدت عالم انسانی بهائیت و ادعای وحدت و صلح جهانی را مورد بررسی قرار داده است.

در میان صفحات وب سایت‌ها و وبلاگ‌ها هم مطالبی بسیار مختصر با این عنوان وجود دارد اما عدم جامعیت و نبود بررسی کامل و صرفاً پرداختن به مسائل تاریخی یکی از ایرادات آن‌ها بوده است. در این تحقیق سعی بر آن است، تا با بررسی دقیق به این سؤال جواب داد که آیا بهائیت آیین صلح است؟ همان‌گونه که خود آنان ادعا می‌کنند یا آیا مسلکی خشونت بار است؟

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تعاریف لغوی و اصطلاحی

رتال جامع علوم انسانی

#### ۱- خشونت

خشونت در لغت از ماده «خَشن» به معنای زبر، خشن،<sup>۱</sup> ضد لین و نرم<sup>۲</sup>

۱. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۲۴۳

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۱۴۰



آمده است. هنگامی عرب به شخصی «اخشوشن الرجل» می‌گویند که شخص لباس خشن پوشیده یا در سخنش خشونت‌ناشده<sup>۱</sup>.

در مورد تعریف اصطلاحی خشونت، تعریف‌ها و تفسیرهای متفاوتی در مباحث جامعه‌شناختی ارائه شده است و هر یک از این تعریف‌ها دارای نقایصی هستند که خود نظریه‌پردازان به آن واقف هستند. البته باید در نظر داشت که تعریفی جامع از خشونت که در بردارنده کلیه رفتارهای خشونت‌آمیز «فیزیکی، روانی، اجتماعی، جنسی و غیره» باشد تا حدودی مشکل است.

با این حال نگارنده با جستجو در کتاب‌ها و مقالات درموضوع خشونت، سعی دارد تا تعریفی کامل و جامع ارائه کند. خشونت عبارت است از اقدام علیه جسم، جان، شرف، مال و حقوق افراد در قالب‌های مختلف.<sup>۲</sup> کلمه اقدام در این تعریف دارای معنای گسترده‌ای است که اقدام فیزیکی مانند ضرب، شتم و قتل و اقدام معنوی مانند تهدید، توهین و افترا و همچنین اقدامات قانونی و غیر قانونی نیز در برگیرنده خصوصیات خشونت را شامل می‌شود.

## ۲- صلح

صلح در لغت به معنای مسالمت و سازش آمده است.<sup>۳</sup> راغب نیز صلح را به معنای از بین بردن نفرت میان مردم، معنی کرده است.<sup>۴</sup> صلح در اصطلاح فقه

۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، العين، ج ۴، ص ۱۷۰

۲. غلامی، نجفعلی، شبهه خشونت و پاسخ آن در آموزه‌های اسلام، فصلنامه کتاب نقد، ش ۵۰ و ۵۱، ص ۲۳۸

۳. قرشی، سید علی‌اکبر، قاموس القرآن، ج ۴، ص ۱۴۱

۴. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن؛ ص ۴۸۹



به معنای عقد لازمی است که برای رفع نزاع و خصومت در میان مسلمانان است.<sup>۱</sup> در اصطلاح حقوق نیز به معنای تراضی و تسالم بر امری است؛ خواه تملیک عین باشد یا منفعت و یا اسقاط دین یا حق یا غیر آن باشد.<sup>۲</sup>

### ۳- مسلک

مسلک در لغت از ریشه «سلک» به معنای راه و روش آمده است.<sup>۳</sup> در اصطلاح نیز مسلک به معنای راه و روشی است که فرقه‌ها و گروه‌ها طبق آن عمل می‌کنند.

#### بهایت دین یا فرقه

برای رسیدن به جواب این سؤال که آیا بهائیت دین است یا فرقه؟ باید تعریفی از دین، فرقه و مؤلفه‌های آن‌ها ارائه گردد و در مرحله بعد، بهائیت را به آن تعاریف و مختصات عرضه نمود تا مشخص شود که بهائیت در قالب دین یا فرقه جای می‌گیرد.

برای دین تعاریف متعددی وجود دارد که هر کدام به نوبه‌ی خود قسمتی از هندسه دین را بیان می‌کنند.

دین عبارت است از نظام اعتقادی، عملی و اخلاقی به هم پیوسته‌ای است که از جانب خدا بر پیامبران وحی شده است تا مردم را بر آن اساس، ارشاد و

۱. نراقی، محمد مهدی، انیس التجار، ص ۳۸۷

۲. طاهری، حبیب اله، حقوق مدنی، ج ۴، ص ۵۰۵

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۴۳

راهنمایی نمایند.<sup>۱</sup>

با توجه به این تعریف نمی‌توان بهائیت را دین به حساب آورد، زیرا که بررسی تاریخی نشان می‌دهد؛ قوانین بهائیت، الهی نبوده و از سوی استعمارگران و دست‌نشانده‌های آن‌ها جعل شده‌اند و هدف از تأسیس آن تنها ایجاد افتراق و اختلاف در بین مسلمانان بوده است.<sup>۲</sup>

فرقه در لغت به معنای دسته، طایفه، مسلک، حزب، بخش، قسمت کردن و گروهی از مردم آمده است.<sup>۳</sup>

فرقه در اصطلاح علم کلام به عده‌ای از مردم گفته می‌شود که به دلیل اختلاف در مسائل اعتقادی، از پیروان یک دین جدا شده و عقاید و تبیین‌های خاصی از آن دین را انتخاب می‌کنند.<sup>۴</sup>

در کتاب «فرقه در میان ما» فرقه این‌گونه تعریف شده است  
«به گروه یا سازمانی که دارای اهداف خاصی باشند.»<sup>۵</sup>

در ادامه خانم مارگارت تالر سینگر فرقه را با سه مشخصه اصلی یعنی داشتن رهبر مستبد و خودکامه، ساختار هرمی قدرت و استفاده از برنامه مجاب‌سازی «شستشوی مغزی» وصف می‌کند. این درحالی که داشتن یک یا دو وصف از این وصف‌ها برای صدق فرقه بر گروهی کفایت نمی‌کند.<sup>۶</sup> درمورد

۱. باهنر، محمدجواد، معارف اسلامی، ص ۷۰

۲. رجوع به مشکور، محمدجواد، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۸۷ تا ۹۴

۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ص ۷۵۴

۴. آفانوری، علی، خاستگاه تشیع و پیدایش فرق تشیع، ص ۱۲

۵. تالر سینگر، مارگارت، فرقه در میان ما، قسمت ۱، ص ۷

۶. همان



ویژگی داشتن رهبر مستبد و خودکامه بایدگفت، در بسیاری از موارد یک فرد، که عموماً بنیانگذار فرقه هم هست، در بالای ساختار تشکیلاتی فرقه قرار گرفته و تصمیم گیری در وی متمرکز می‌شود. رهبران فرقه‌ها افرادی خود انتصابی و تحمیل‌گر هستند که ادعا می‌کنند دارای مأموریت خاصی بوده و یا دانش ویژه‌ای دارند. برای مثال، رهبران فرقه‌ها اغلب ادعا می‌کنند که برای هدایت مردم مأمور آمده‌اند و برخلاف رهبران ادیان که مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنند؛ اینان مردم را به سوی خود می‌خوانند.

ساختار تشکیلاتی به روابط بین رهبر و پیروان برمی‌گردد که رهبر در این ساختار به عنوان مقام عالی شناخته می‌شود؛ ممکن است قدرت معینی را به چند زیر دست به منظور نظارت بر وفاداری پیروان نسبت به تمایلات و حکم خود تفویض کند. هیچ دادخواستی خارج از سیستم رهبر به سیستم بالاتر قضایی وجود ندارد.

از طرفی دیگر در ساختار تشکیلاتی، فرقه‌ها تمایل دارند تا اعضای‌شان سیستم اخلاقی دوگانه‌ای داشته باشند. از اعضا خواسته می‌شود که در درون گروه باز و راستگو بوده و جزئی‌ترین و خصوصی‌ترین مسائل را در برابر رهبر اعتراف نمایند و در همان حال، تشویق می‌شوند تا غیر اعضا را گول زده و از آن‌ها سوء استفاده کنند. در مقابل، مذاهب بر حق و گروه‌های پایبند اخلاق، به اعضا آموزش می‌دهند تا در برابر همه راستگو و درستکار باشند و نسبت به یک مجموعه واحد از اخلاقیات در همه حال پایبند بمانند.

برنامه مجاب سازی شامل پروسه‌های متعدد بازسازی فکری است که



رهبران فرقه‌ها و سازمان‌های شبه فرقه‌ای برای وادار کردن افراد به پیوستن، ماندن و اطاعت کردن مورد استفاده قرار می‌دهند. ادگار شاین روانشناس آمریکایی این وضعیت را در سه مرحله به شرح ذیل بیان کرده است.<sup>۱</sup>

۱. خارج کردن از انجماد: در این مرحله، برخوردها و انتخاب‌های گذشته فرد مانند دیدگاهش نسبت به وجود، فلسفه توسط تعالیم، پاداش، تنبیه و غیره نامتعادل می‌شود. در حالی که شما به گذشته و دنیا و رفتار و ارزش‌های خود نگاه می‌کنید؛ همزمان آن‌ها را با سیستم جدید بمباران می‌نمایید و چنین برایتان جا می‌افتد که در گذشته اشتباه می‌کرده‌اید.

۲. ایجاد تغییرات: در طی این مرحله، فرد حس می‌کند که هیجان، عدم اطمینان و تردید نسبت به خود را می‌تواند با قبول مفاد ارائه شده توسط رهبر گروه تخفیف دهد. علاوه بر این، فرد ناظر بر رفتار اعضای قدیمی‌تر می‌باشد و شروع به تقلید از کارهای آنان می‌کند. وقتی فرد به زبان بیاورد که حقاََ ایدئولوژی را فهمیده و تغییر کرده است؛ این فعل و انفعالات با هم عرض‌های خود، فرد را به این نتیجه‌گیری هدایت می‌کند که دارای اعتقاداتی متکی بر اعمال خودش می‌باشد.

۳. منجمد کردن: در آخرین مرحله، گروه در برابر رفتار مطلوب پاداش- اجتماعی داده و در قبال برخوردها و رفتار غیر مطلوب به وسیله انتقادات تند، عدم تأیید توسط گروه، طرد اجتماعی و از دست دادن موقعیت، او را تنبیه می‌کنند. با تکمیل پروسه مغزشویی، اعضای فرقه باید به این باور برسند که

۱. تالر سینگر، ماگارت، فرقه در میان ما، قسمت ۷، ص ۱۴





زندگی قبل از ورود به گروه غلط بوده و زندگی فعلی آن‌ها همان راه درستی است که باید طی کنند. راهی که تنها با توسل به رهبر فرهمند فرقه می‌توان آن را طی کرد.

فرقه‌ها تمایل به درخواست از اعضا برای پذیرش دگرگونی اساسی یا تغییر روش زندگی دارند. بسیاری از فرقه‌ها فشار زیادی بر روی اعضای جدید برای ترک خانواده، دوستان، و مشاغل خود برای حل شدن در اهداف اساسی گروه می‌آورند. این تاکتیک ایزوله کردن فرد، یکی از مکانیزم‌های عام اغلب فرقه‌ها برای کنترل و ایجاد وابستگی اجباری در اعضا است.

حال بعد از تعریف دین، فرقه و مؤلفه‌های آن، در ادامه به ویژگی‌های بهائیت پرداخته می‌شود تا مشخص شود که آیا بهائیت در قالب دین قرار می‌گیرد یا فرقه؟

با دقت در تعریف‌های دین، فرقه و ویژگی‌های آنان می‌توان گفت، بهائیت یک فرقه ضاله است؛ زیرا رهبران و پیروان نخستین بهائی مسلمان بودند و در سرزمین‌های اسلامی زندگی می‌کردند و این گروه در حقیقت خاستگاه اسلامی دارند. بهائیت پس از جدایی از اسلام، اصول و فروع مورد اتفاق مسلمانان را انکار کردند و با ادعای «من یظهره الله» و الوهیت میرزا حسینعلی نوری که می‌گفت

«گوش فرا دهید؛ ای جماعت بهائیان که خدای شما از زندان بزرگ پیام

می‌دهد که نیست خدایی جز من توانا و متکبر و خود پسند.»<sup>۱</sup>

۱. نوری، حسینعلی، کتاب اقدس، ص ۷۷



و ادعای الوهیت علی محمد شیرازی که می‌گفت

«إِنَّ عَلِيًّا قَبْلَ نَبِيْلِ نَفْسِ اللَّهِ»<sup>۱</sup>

و نیز در عبارتی می‌گفت

«ان علی قبل نبیل ذات الله و کینونته»<sup>۲</sup>

و با طرح ادعاهای دیگر راه خود را از مسلمانان جدا کردند؛ به گونه‌ای که عقاید و باورهای آنها نیز با اصول ادیان الهی در تضاد و تناقض می‌باشد و توحید که از اصول بنیادی و اساسی اسلام و ادیان توحیدی می‌باشد، نه تنها در آیین بهائیت مورد اشاره و تاکید قرار نگرفته است؛ بلکه رهبر و بنیانگذار این فرقه میرزا حسینعلی ادعای الوهیت نموده و به شرک گرفتار شده است. از سوی دیگر طبق تعالیم الهی، رسولان به سوی خداوند متعال دعوت می‌کنند؛ در حالی که رهبران بهائیت به سوی خود می‌خوانند. بنابراین بهائیت نمی‌تواند دینی الهی باشد؛ زیرا ادعاهای متناقض باب و میرزا حسینعلی نوری «باییت، مهدویت، نبوت، الوهیت و من ینظره الله»، تناقضات و تعارضات آموزه‌ها و ناسازگاری آنان با منطق و عقل، نداشتن معجزه‌ای پذیرفتنی برای اثبات پیامبری، ناتوانی در پاسخ‌گویی به چالش‌ها در مناظرات، تکذیب بی‌دری ادعاها و نوشتن توبه نامه به وسیله باب، همگی حاکی از دلیل آشکار بر بطلان ادعاهای آنها است که با منطق و سیره پیامبران و اصول دین الهی در ناسازگاری کامل است.

۱. نوری، عزیه خانم، تنبیه النائمین، ص ۳۵

۲. شیرازی، علی محمد، هیکل‌الدین، ص ۵



تا این جا ثابت شد که بهائیت نمی تواند یک دین الهی باشد؛ حال در ادامه به بررسی تطبیق مؤلفه های فرقه بر بهائیت پرداخته می شود. یکی از مؤلفه های فرقه، داشتن رهبران انتصابی، مستبد و خود کامه است که رهبران اولیه بهائیت، خود انتصابی بودند اما در حال حاضر با انتخابات برگزیده می شوند. این شیوه به دلیل آن بود که سومین رهبر بهائیت یعنی شوقی افندی فرزندی نداشت که جانشین وی شود و به نوعی با بحران مشروعیت روبرو شده بود و از سوی دیگر این انتخابات برای فرار از اتهام انتصابی بودن و غیر دموکراتیک بودن بهائیت، با قصد انحراف و فریبکاری افکار عمومی صورت می گرفت. در مستبد و خودکامگی رهبران بهائیت همین بس که هیچ کس حق مخالفتی با او را ندارند، هر چند که حکمی خلاف عقل صادر کند: «لَوْ يَحْكُمُ عَلَى الْمَاءِ حُكْمَ الْخَمْرِ وَ عَلَى السَّمَاءِ حُكْمَ الْأَرْضِ وَ عَلَى النُّورِ حُكْمَ النَّارِ حَقٌّ لَارِيبَ فِيهِ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَعَرَّضَ عَلَيْهِ أَوْ يَقُولَ لِمَ وَ بِمَ وَ الَّذِي إِعْتَرَضَ إِنَّهُ مِنَ الْمُعْتَرِضِينَ»<sup>۱</sup> ترجمه: «اگر به آب بگویند که شراب است و به آسمان بگویند که زمین است و به نور بگویند که آتش است، باید پذیرفت که حق است و شکی در آن نیست و کسی حق اعتراض بر او را ندارد و لِمَ و بِمَ بگویند و هر کس اعتراض کند، او از روی گردانان است.»

یکی دیگر از ویژگی های فرقه، داشتن ساختار هرمی قدرت است که این امر از ابتدای ظهور بهائیت به شکل های مختلف وجود داشت؛ اما در دوره شوقی افندی نظام و تشکیلات منسجم باعث دوام و گسترش بهائیت شد. شوقی افندی

۱. نوری، حسینعلی، اشراقات، ص ۵۸

با بهره‌گیری از تعالیم حسینعلی نوری مبنی بر تشکیل بیت العدل الاعظم برای وضع امور و قوانین جاری بهائیان به تقلید از اروپایی‌ها، به بهائیت صورت تشکیلات حزبی داد<sup>۱</sup> و محافل منتخب محلی و ملی را در شهر حیفای اسرائیل به وجود آورد. بیت العدل مسئول امور روحانی و اداری جامعه بین‌المللی بهائی است و تشریح امور غیر عبادی را انجام می‌دهد. هر پنج سال یکبار، نه نفر به وسیله همه اعضای محافل ملی بهائیان جهان انتخاب می‌شوند<sup>۲</sup> و بالاترین مرجع تصمیم‌گیری بیت العدل، دارالتبلیغ بین‌المللی است که دیگر بخش‌ها زیر نظر دارالتبلیغ انجام وظیفه می‌کنند. هر کشور یک محفل ملی و هر استان یک محفل استانی و در ادامه محفل شهرستان، بخش و محفل دهستان قرار می‌گیرد و هر یک از این محفل‌ها چهل لجنه «یعنی گروه» دارند.<sup>۳</sup>

وجود چنین تشکیلاتی منسجم و سلسله‌مراتبی باعث می‌شود که تمام اطلاعات از پایین به رأس رسانده و از سویی نیز تصمیم رهبران را سریع و صریح به دورترین نقاط جهان فرستاده شود. پیروی از دستورات محفل ملی بر بهائیان واجب بوده، به طوری هیچ یک از اعضا حق ندارد از آنچه در درون تشکیلات می‌گذرد؛ سؤال کند. بنابراین تخلف از آن، محرومیت‌های گسترده‌ای و مجازات سنگینی برای آنان به میان می‌آورد که این نشان از یک کار تشکیلاتی گسترده در بهائیت است. از سوی دیگر در بهائیت، مجازات‌های بسیار سخت و آزاردهنده‌ای برای بهائیبانی که برخلاف احکام و تعالیم بیت العدل، اقدامی انجام

۱. اسلمنت، جی‌ای، بهاء الله و عصر جدید، ص ۲۹۰

۲. اشراق خاوری، عبدالحمید، گنجینه حدود و احکام، ص ۲۱۸

۳. اسلمنت، جی‌ای، بهاء الله و عصر جدید، ص ۲۹۹



دهند، وجود دارد که این مجازات طرد نامیده می‌شود. بنابراین هر بهائی که به اصول و قوانین بیت العدل اعتراض کند، از جامعه بهائیت طرد می‌شود. به عنوان مثال طبق دستور عبدالبهاء هر کس با «ولی امر الله» مخالفت کند؛ باید طرد شود و در این مورد می‌گوید:

«یادی امر الله باید بیدار باشند؛ به محض این که نفسی بنای اعتراض و مخالفت با ولی امر الله گذاشت، فوراً آن شخص را اخراج از اهل بهاء نمایند و ابداً بهانه‌ای از او قبول ننمایند.»<sup>۱</sup>

یکی دیگر از مؤلفه‌های فرقه، استفاده از برنامه‌های هماهنگ شده مجاب‌سازی ذهنی است که به آن نیز شستشوی مغزی می‌گویند. فرقه با استفاده از این برنامه، افرادی جذب شده را در پرسه‌های متعدد بازسازی فکری در جهت وادار کردن افراد به پیوستن، ماندن و اطاعت کردن قرار می‌دهد.<sup>۲</sup> با نیم نگاهی به مستندات تاریخی و خاطرات افرادی که توانسته‌اند خود را از دام بهائیت برهانند مانند فضل الله مهتدی<sup>۳</sup> و خاطرات یک نجات یافته از بهائیت<sup>۴</sup> به خوبی مبین این واقعیت است.

با توجه به انحراف بهائیت از اصول و فروع مسلم اسلام و ویژگی‌های یک فرقه از جمله داشتن رهبران خودکامه، ساختار هرمی قدرت و استفاده از تکنیک کنترل ذهن؛ می‌توان بهائیت را یک فرقه ضاله نامید.

۱. افندی، عباس، الواح وصایا، ص ۱۲-۱۳

۲. تالر سینگر، مارگارت، فرقه در میان ما، قسمت ۱، ص ۱۱

۳. برای مطالعه بیشتر به کتاب خاطرات زندگی صبحی نوشته فضل‌الله مهتدی رجوع نماید.

۴. برای مطالعه بیشتر به کتاب سایه شوم نوشته مهناز رؤفی مراجعه نماید.

## ادعای صلح طلبی بهائیت

تاریخ بشر از آغاز تا کنون، مملو از درگیری‌ها، جنگ‌های بزرگ و کوچک بوده است. جنگ‌ها که بخش بزرگ و البته غم‌انگیزی از تجربه زندگی اجتماعی بشر را روایت می‌کنند، چنان با تار و پود تاریخ جهان عجین‌ند که گویا جنگ جزء جدا ناشدنی و گریزناپذیر روابط میان اقوام و ملل در طول تاریخ دانسته شده است. هر انسانی گرایش فطری به سمت صلح دارد. حال اگر در این حال و هوا جنگ و خونریزی گروهی برخیزد و از صلح، دوستی و شعارهای زیبا حرف بزنند؛ در وهله‌ی اول توجه هر انسانی را به خودت جلب می‌کند که آیا سخنان آنان در حد یک شعار است یا نه؟

یکی از گروه‌هایی که با شعارهای زیبا پا به میدان گذاشته، بهائیت است که می‌گویند همه انسان‌ها هم‌دیگر را خویشاوند بدانند و رنگ چهره و مذهب هیچ یک از افراد، میزان برتری ایشان بر هم دانسته نمی‌شود. همان‌طوری که عباس افندی می‌گوید

«مقصود این است که حضرت بهاءالله اعلان وحدت عالم انسانی فرمود تا

جميع افراد بشر با هم برادر و خواهر و دختر و مادر و پسر و پدر باشند.»<sup>۱</sup>

بهائیان ادعا می‌کنند که همه انسان‌ها مخلوق خداوند متعال بوده که رنگ، چهره، پوست و طرز ترکیب قیافه هیچ یک ملاک برتری ایشان بر هم نیست و نباید ملاک اختلاف و دشمنی باشد. درست مانند رنگ و نوع گل‌های یک گلستان

۱. افندی، عباس، خطابات، ج ۱، ص ۱۵۴



که موجب رونق بوستان است.<sup>۱</sup> در ساحت قدس الهی، ترک، فارس، سیاه و سفید همه برابرند و هیچ یک بر دیگری رجحان ندارد.<sup>۲</sup> خداوند نسبت به همه مهربان است؛ پس چرا ما نسبت به همه مهربان نباشیم؟<sup>۳</sup>

همان طور که حسینعلی نوری می گوید

«ای اهل عالم سرا پرده یگانگی بلند شد، به چشم بیگانگان یکدیگر را مبینید،

همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار.»<sup>۴</sup>

این عبارت را این گونه به زبان ساده می توان بیان کرد که همه انسان ها میوه یک درخت هستیم و برگ یک شاخه، به این دلیل نباید به چشم یک بیگانه به هم نگاه کنیم.

یکی از تعالیم بهائیت «وحدت عالم انسانی» است. عبدالبهاء می گوید:

«جمیع بشر نوع انسانند. جمیع بندگان الهی؛ جمیع را خدا خلق کرده. جمیع

اطفال الهی هستند. خدا کل را روزی می دهد؛ کل را می پروراند؛ به کل مهربان

است؛ چرا ما نامهربان باشیم؟... نوع انسان جمیع در ظل رحمت پروردگار است.

نهایت بعضی ناقص هستند باید اکمال گردند. جاهل هستند تا تعلیم یابند. مریض

هستند باید معالجه شوند. خوابند باید بیدار گردند. طفل را نباید مغبوض داشت که

چرا ناخوشی؟ باید نهایت رحمت و الفت را به او داشت. از این واضح شد که

عداوت مابین ادیان باید به کلی محور گردد؛ ظلم و اعتساف برداشته شود و بالعکس

۱. افندی، شوقی، ظهور عدل الهی، ص ۱۱۵

۲. همان، ص ۸۷

۳. افندی، عباس، خطابات، ج ۲، ص ۱۴۵-۱۴۶

۴. نوری، حسینعلی، مجموعه الواح مبارکه، ص ۲۵۶

نهایت الفت و محبت جاری شود.»<sup>۱</sup>

آنچه که از عبارت فوق فهمیده می‌شود؛ این است که همه انسان‌ها را خدا آفریده است و همه تحت رحمت خداوند متعال قرار داریم و از او رزق می‌گیریم. بنابراین نباید انسان‌ها با هم دشمنی داشته باشند و ادیان مختلف نیز باید دست از دشمنی بردارند و الفت و محبت را به جای دشمنی بینشان جاری کنند. در کتاب «پیام ملکوت» آمده است

«حضرت بهاء مسئله‌ی صلح عمومی را تصریح فرموده و به عموم بهائیان تکلیف فرموده که به جان و دل در این امر عظیم جانفشانی نمایند؛ حتی جان و مال خویش را فدا کنند و ترویج الفت ملل و مذاهب نمایند و اعلان وحدت عالم انسانی در جمیع اقالیم عالم کنند.»<sup>۲</sup>

حال سؤال این است که شما این طور از صلح و عدم خشونت و جنگ و خونریزی سخن می‌گوئید؛ آیا راه حلی برای ایجاد صلح و صفا در جهان دارید یا نه؟

طرح‌های بهائیت برای به وجود آمدن صلح جهانی به قرار زیر است:

۱- عدم نژادپرستی  
بهایت قائل است که یکی از سدهای محکم در ایجاد صلح جهانی، نژادپرستی است که ریشه‌ی بسیاری از مفاسد و مشکلات انسانی است و به هیچ بهانه و عنوانی نمی‌توان آن را موجه دانست. برای حل این مشکل بایستی سعی

۱. افندی، عباس، خطابات، ج ۲، ص ۱۴۵-۱۴۶

۲. اشراق خاوری، عبدالحمید، پیام ملکوت، ص ۲۵۵





کنیم تا تمام کشورها اصل وحدت عالم انسانی را که مستظہر بہ اقدامات مناسب حقوقی و تدابیر اجرایی است؛ قبول کنند.<sup>۱</sup>

## ۲- اختلاف طبقاتی مردم

یکی دیگر از مسائلی که مانع از ایجاد صلح جهانی می‌شود؛ وجود اختلاف فاحش و مفرط میان فقیر و غنی است که سرچشمه‌ی بسیاری از مصائب شده و جهان را از حالت توازن خارج نموده است. راه حلّ این مشکل را باید در ترکیبی از مجموعه‌ای از اقدامات روحانی و اخلاقی و عملی جستجو نمود.<sup>۲</sup> عبدالبهاء در این زمینه می‌گوید:

«این واضح است که وحدت عالم انسانی و صلح عمومی به واسطه قوّه مادّیہ ترویج نشود بواسطه قوّه سیاسی تأسیس نگردد چه که فوائد سیاسی ملل مختلف است و منافع دول متفاوت و متعارض و به واسطه قوّه جنسی و وطنی نیز ترویج نشود؛ چه که این قواء بشریہ است و ضعیف و نفس اختلاف جنس و تباین وطن مانع از اتحاد و اتفاق است.»<sup>۳</sup>

از طرفی نیز در مشورتی که خالی از شائبه‌ی مجادلات مرامی و اقتصادی باشد؛ باید نفع مردم را در نظر گرفت که نتیجه‌اش تعدیل معیشت و از میان رفتن فقر و ثروت مفرط است و این امر با حقائق روحانی‌ای مربوط است که ادراکش سبب اتخاذ یک روش و رفتار جدید بین‌المللی می‌گردد که خود سهمی عظیم

۱. محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده، وعده صلح جهانی، ص ۱۵

۲. همان

۳. اشراق خاوری، عبدالحمید، پیام ملکوت، ص ۵۴

در حل آن مسئله دارد.<sup>۱</sup>

### ۳-کنار گذاشتن مبالغه در ملیت

یکی دیگر از مسائلی که مبالغه و افراط در تمسک به اصول ملیت که امری جدا از حسّ وطن پرستی سالم و مشروع است؛ باید جای خود را به اخلاص و وفاداری وسیع تر یعنی محبت عالم انسانی تفویض نماید. حسینعلی نوری چنین می گوید: «عالم یک وطن محسوب است و من علی الارض اهل آن»<sup>۲</sup> این مفهوم که عالم وطن ما است؛ نتیجه پیشرفت علمی کشورها و وابستگی غیر قابل انکار کشورها به یکدیگر است و جهان حکم یک وطن یافته است.<sup>۳</sup> همان طور که عبدالبهاء می گوید:

«فکران این باشد که این نفوس دانا شوند و عموم تحصیل علوم و فنون کنند  
و زمان تحصیل علم از بدایت حیات تا نهایت حیات است و بواسطه علم سبب  
محبت من علی الارض شوند و سبب صلح اکبر گردند.»<sup>۴</sup>

در عین حال باید دانست که جهان دوستی ممانعتی با وطن پرستی ندارد؛ بلکه امروز در جامعه‌ی جهانی مصلحت هر جزء هنگامی به بهترین وجه تأمین می شود که منافع کل منظور و ترویج گردد. از این جهت فعالیت های بین المللی کنونی در میدان های مختلف که سبب ایجاد محبت متقابل و هم بستگی در میان

۱. محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده، وعده صلح جهانی، ص ۱۵

۲. همان، ص ۱۶

۳. همان

۴. افندی، عباس، خطابات، ج ۱، ص ۷۲

اهل عالم می‌گردد، باید افزایش یابد.<sup>۱</sup>

#### ۴- ترک تعصبات و تقلید

یکی دیگر از موانع بزرگ بر سر راه ایجاد صلح در جهان تعصبات و تقلید است؛ زیرا تا وقتی که تعصبات و تقلید باشد؛ به هیچ نحوی نمی‌توان صلح در جهان را ایجاد کرد و اساساً سر منشأ نزاع‌ها از تقلید و تعصبات است. بنابراین همان‌طور که در کتاب خطابات آمده است

«تعصب دینی، تعصب جنسی و تعصب وطنی و تعصب سیاسی سبب جدال

است و هادم بنیان انسانی باید جمیع این تعصبات را ترک نمود.»<sup>۲</sup>

و نیز در جای دیگر درباره این که تقلید مانعی بر سر اتحاد ادیان و صلح

عمومی است؛ می‌گوید:

«اساس ادیان الهی یکی است و جمیع ادیان اساسشان ارتباط و التیام است؛

لکن اختلاف در تقلید است و این تقلید دخلی به تعالیم الهی ندارد. چون این تقلید

مختلف است، سبب نزاع و قتال شده اما اگر تحرّی حقیقت شود جمیع ادیان متحد

و متفق گردند. دین باید سبب الفت و اتحاد گردد سبب ارتباط بین قلوب بشر شود؛

اگر دین سبب نزاع و جدال گردد البتّه بی‌دینی بهتر است؛ زیرا عدم شیء مضرّ بهتر

از وجود آنست.»<sup>۳</sup>

حال تا اینجا اثبات شد که بهائیت دارای یک ادعای بزرگ، به نام ایجاد

صلح عمومی در جهان است و راهکارهایی را نیز برای رسیدن به این هدف ارائه

۱. محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده، وعده صلح جهانی، ص ۱۶

۲. افندی، عباس، خطابات، ج ۲، ص ۵۷

۳. همان، ص ۲۷۷





داده است که نگارنده با توجه به جستجوهایی که در کتاب‌های آنان داشت؛ به مهم‌ترین این راهکارها اشاره نمود.

توجه به این نکته ضروری است که غالب راهکارهای پیشنهادی برای ایجاد صلح عمومی در حد شعار باقی مانده است چراکه در حوزه عملکردی این مسائل با شکست مواجه شده است و نیز آیا خود پیشنهاد دهندگان تعالیم، توانایی بر اجرای آن پیدا کرده اند؟ به عبارت دیگر، با وجود این شعارهای زیبا و تعالیم ادعایی نباید هیچ‌گونه نزاع و خشونت در فرقه بهائیت موجود باشد.

#### بهائیت مساوی با صلح یا مسلک خشونت؟

همان‌طوری که گذشت «خشونت عبارت است از اقدام علیه جسم، جان، شرف، مال و حقوق افراد در قالب‌های مختلف.»<sup>۱</sup> کلمه اقدام در این تعریف دارای معنای گسترده‌ای است که یک وقت اقدام بر خشونت مانند دفاع از حریم کشور اسلامی، مبارزه با اشرار و غیره، مجاز و ضروری است که در این صورت عدم اقدام مساوی با تشنج در جامعه، افزایش جرایم، کثرت ناهلان و غیره می‌شود.<sup>۲</sup> بنابراین خشونت همیشه بد نیست؛ بلکه در مواردی مفید و لازم است. از طرفی خشونت‌های غیر مجاز آن خشونت‌هایی است که به منظور ظلم، ستم، غصب اموال مردم به طریق نامشروع و غیره باشد را شامل می‌شود.<sup>۳</sup> بنابراین خشونت دارای دو نوع خشونت‌های مجاز و غیر مجاز است که خشونت‌های

۱. غلامی، نجفعلی، شبهه خشونت و پاسخ آن در آموزه‌های اسلام، فصلنامه کتاب نقد، ش ۵۰ و ۵۱، ص ۲۳۸

۲. هزاوه‌ای، محمدرضا، معناشناسی خشونت، مجله مطالعات راهبردی زنان، ش ۲۳، ص ۲۴

۳. همان، ص ۲۰



غیر مجاز گاهی شامل اقدام فیزیکی مانند ضرب، شتم، قتل و غیره است و گاهی شامل اقدام معنوی مانند تهدید، توهین، افترا و غیره می‌باشد.

در ادامه به بررسی انواع خشونت فیزیکی و معنوی در بهائیت پرداخته می‌شود تا با جواب دادن به این سؤال که آیا خشونت در بهائیت را دارد یا نه؟ به صحت یا فقط شعاری بودن ادعایشان پاسخ داد؛ زیرا وقتی کسی یا گروهی چیزی را ادعا می‌کند باید تا حد ممکن خود متلبس به آن چیز باشد و بهائیت نیز باید حداقل در درون تشکیلاتشان که نسبت به جهان، مجموعه‌ای بسیار کوچک است؛ صلح و عدم خشونت جاری باشد تا بتواند ادعای یا ایده‌ی بزرگ‌تر در حد جهانی ارائه دهد.

#### ۱- خشونت‌های معنوی در بهائیت

خشونت معنوی یکی از انواع خشونت است که در آن تمامیت معنوی فرد از حیث شخصیت و حیثیت او مورد حمله قرار می‌گیرد و از این دست خشونت‌ها می‌توان به خشونت‌های کلامی مانند توهین، افترا، تهدید، سلب آزادی و غیره را نام برد.<sup>۱</sup> با جستجو در کتاب‌های بهائی موارد بسیاری را می‌توان دید که با وحدت عالم انسانی و صلح جهانی کاملاً در تناقض است و حتی به نوعی نیز این موارد خشونت محسوب می‌شود که در زیر به نمونه‌های از آن اشاره می‌شود.

#### الف- سیاهان آفریقایی

عبدالبهاء در مورد سیاهان آفریقا که بخش مهم جغرافیای انسانی را در

۱. اسدی، لیلیا سادات، مهار خشونت‌های خانگی از قانون تا اخلاق، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، پیاپی



جهان تشکیل می دهند؛ نظرات قابل توجهی دارد و می گوید:

«اهالی مملکتی نظیر آفریقا جمیع مانند وحوش ضاربه و حیوانات بریه بی عقل و دانشند و کل متوحش. یک نفس آدم متمدن و دانا در مابین آنان موجود نه.»<sup>۱</sup>

ایشان به راحتی همه آفریقاییان را به حیوانات وحشی، و بی عقل خطاب می کند

حال سؤال این است؛ آیا این عقیده در مورد سیاهان آفریقایی با ادعای صلح عمومی و جهانی سازگار است یا نه؟ یا آن که توهین به سیاهان آفریقایی که مصداقی از خشونت معنوی است با ادعای صلح جهانی سازگار است؟

ب- قوم ترک

یکی دیگر از اقوامی که عبدالله از آنان به توهین یاد می کنند؛ قوم ترک است و ایشان در این باره می گوید:

«از ترک زبانان دوری کن، اگر چه پدرت باشد که اگر دوستت بدارد؛ تو را خواهد خورد و اگر دشمن باشد، تو را خواهد کشت.»<sup>۲</sup>

یا این که می گوید:

«جمال پاشا بی مقدمه چنین گفت: تو از مفسدین در دینی و به همین جهت دولت ایران تو را در اینجا تبعید نمود... اندیشیدم ترک است و باید جوابی مضحک و مسکت داد.»<sup>۳</sup>

۱. افندی، عباس، مکاتیب، ج ۱، ص ۳۳۱

۲. فاضل مازندرانی، اسدالله، اسرار الآثار خصوصی، ج ۲، ص ۱۵۴

۳. همان، ج ۳، صص ۴۲-۴۳



همان‌طور که در کلام عبدالبهاء مشاهده می‌شود؛ وی به قوم شریف، اندیشور و هنرمند ترک توهین کرده است. حال سؤال ما از بهائیت این است؛ سیاهان آفریقا این جور و قوم ترک هم آن جور هستند؛ پس ادعای صلح جهانی با این اوضاع چه می‌شود؟

### ج- رفتار آنان با غیر بهائیان

حسینعلی نوری می‌گوید: «همه بار یک درختید و برگ یک شاخسار.»<sup>۱</sup> این سخن ایشان ادعای خوب و شایسته‌ای است؛ اما باید دید که در عمل هم این‌گونه است یا نه؟

ایشان در مورد برخورد با غیر بهائیان می‌گویند:

«الیوم هر نفسی بر احدی از معرضین من اعلام او من ادناهم ذکر انسانیت نماید؛ از جمیع فیوضات رحمانی محروم است؛ تا چه برسد که بخواهد از برای آن نفوس اثبات رتبه و مقام نماید.»<sup>۲</sup>

ایشان همنشین با غیر بهائی را برای لحظه‌ای جایز نمی‌شمرد و می‌گوید:

«باید از معرضین در کل شئون اعراض نماییم و در آنی مؤانست مجالست را جایز ندانیم.»<sup>۳</sup> یا در جای دیگر کسانی که از بهائیت پیروی نکرده است را حیوان خوانده و او را شایسته اسم و صفت نمی‌داند و می‌گوید: «نفوسی که از امر بدیع معرضند از رداء اسمیه و صفتیه محروم، و کل از بهائم بین یدی الله محشور و

۱. نوری، حسینعلی، مجموعه الواح مبارکه، ص ۲۵۶

۲. همان، بدیع، ص ۱۴۰

۳. اشراق خاوری، عبدالحمید، مائده آسمانی، ج ۸، ص ۳۹

مذکور.<sup>۱</sup> یا این که گوید: «از عصبانیت بمیر ای کسی که این فضل را انکار می‌کنی.»<sup>۲</sup> یا آن که حسینعلی نوری منکرین خویش را حرامزاده خطاب می‌کنند و در این باره می‌گوید: «بگو هر کس در قلبش دشمنی این غلام (بهاء الله) را داشته باشد؛ قطعاً شیطان در بستر مادرش رفته است.»<sup>۳</sup>

از این دست توهین‌ها به وفور در کتاب‌های بهائی یاد می‌شود و حتی حسینعلی نوری نتوانست بدون خشونت و به صورت مسالمت‌آمیز با برادرش زندگی کند و وقتی پای ریاست به میان آمد؛ برادرش «صبح ازل» با آن که طبق وصیت باب جانشین وی بود،<sup>۴</sup> به باد ناسزا می‌گیرد و او و طرفدانش را با القاب زشتی مانند گوساله، خر، مگس، مشرک و غیره داده است و در این زمینه چنین آمده است:

«چون میرزا صبح ازل در ادرنه با آثار و اعمال و گفتارهای برادر بزرگوار مخالفت ورزید.....القبی از قبیل مشرک بالله و عجل و جعل و طاغوت و شیطان و ابلیس و برکه خبیثه و طنین ذباب و امثال این‌ها نامبرده شدند.»<sup>۵</sup>

در بهائیت این یعنی فحش و ناسزاگویی به حسینعلی نوری و برادرش صبح ازل ختم نمی‌شود؛ بلکه این روش هم به عباس افندی «عبدالبهاء» و محمدعلی افندی «پسر دیگر بهاء» بر سر ریاست به ارث رسید تا آنجا که عبدالبهاء،

۱. نوری، حسینعلی، بدیع، ص ۲۱۳

۲. همان

۳. اشراق خاوری، عبدالمجید، گنج شایگان، ص ۷۹

۴. کاشانی، جانی، نقطه الکاف، ص ۱۹

۵. فاضل مازندرانی، اسدالله، اسرار الآثار خصوصی، ج ۵، ص ۳۴۵-۳۴۶



برادرش و مریدانش را با القابی چون پشه، سوسک، خفاش، گرگ و غیره خطاب کرد و در عوض خودش را طاووس و بلبل معرفی کرد.<sup>۱</sup>

به راستی شخصی که خود و خانواده‌اش را نتوانسته تربیت کند و در میان‌شان خشونت موج می‌زند؛ آیا می‌تواند ادعای صلح جهانی کند؟

عبدالبهاء جواب می‌دهد:

«انصاف باید داشت از نفسی که در تربیت ... عیال و آل عاجز مانده، چگونه امید تربیت اهل آفاق نماییم و آیا در این قضیه ذره‌ای شبهه و تردید است؟ لا والله»<sup>۲</sup>

د- رفتار آنان با طرد شده‌ها

یکی دیگر از انواع خشونت معنوی، عدم ارتباط و قطع رابطه کردن با شخص است. این نوع خشونت در بهائیت با عنوان «طرد» یاد می‌شود که مجازات بسیار سخت و آزاردهنده‌ای برای بهائینی است که خلاف احکام و تعالیم یا فرمان بیت العدل، اقدامی انجام دهند. در بهائیت دو گونه طرد وجود دارد: یکی طرد اداری و دیگری روحانی است.



۱. افندی، عباس، مکاتیب، ج ۲، ص ۳۳۴-۳۳۵

۲. قدیمی، ریاض، گلزار تعالیم بهائی، ص ۲۵



طرد اداری در مورد فرد مسجلی<sup>۱</sup> است که برخلاف احکام و تعالیم بهائیت عمل کرده است و به تذکر محافل روحانی بی‌اعتنا بوده است. طرد روحانی نیز در مورد فرد مسجلی است که از نواهی و اوامر بیت العدل سرپیچی نموده و با اصول مسلم و اساسی بهائیت تخطی کرده باشد. شوقی افندی در این باره می‌گوید:

«راجع به احبائی که به واسطه غفلت و نادانی از تشکیلات اداری منفصل شوند، سؤال نموده بودید که آیا به محافل عمومی دعوت شوند یا خیر؟ فرمودند: دعوت آنان جایز نه و نسبت به کسانی که از جامعه امر منفصل شده‌اند؛ آیا سلام و کلام با آن‌ها جایز است یا نه؟ فرمودند: اگر چنانچه انفصال روحانی باشد، تکلم به هیچ وجه جایز نه.»<sup>۲</sup>

یا در جای دیگر آمده است

«در موضوع صادق فرزند آقا محمد.....راجع به طرد و اخراج او از جامعه مخبره گردید به والدیش صریحاً اظهار و انذار نمایند. مخبره با او به هیچ وجه من الوجوه جائز نه، تمرد و مخالفت نتایجش وخیم است.»<sup>۳</sup>

حال سؤال این است که آیا این طردها و خشونت درون فرقه‌ای نسبت به اعضا با روح صلح، آن هم وحدت عالم و صلح جهانی سازگار است یا نه؟  
۲- خشونت فیزیکی در بهائیت  
بابی‌ها و بهائی‌ها از ابتدای پیدایش با دیگران سر ناسازگاری داشتند و از

۱. شخصی که رسماً بهائی باشد.

۲. افندی، شوقی، توقیعات مبارکه، ص ۹۴-۹۵

۳. همان، ص ۴۱-۴۲



هر فرصتی برای حمله به غیر خودشان به جرم ارتداد، سود می‌جستند. میرزا جانی کاشانی در این باره می‌نویسد:

«جمعی رفتند و در شب یورش برده، ده را گرفتند و یکصد و سی نفر را به قتل رسانیدند و تتمه فرار نموده، ده را «اصحاب بابی‌ها» خراب نمودند و آذوقه ایشان را جمیعاً به قلعه بردند.»<sup>۱</sup>

شوقی افندی نیز شیوه بایبان در عراق را این‌گونه توصیف می‌کند

«شب‌ها به دزدیدن لباس، کفش، کلاه زوار اماکن مقدسه و شمع‌ها و صحایف... پرداختند و در ایام عاشورای حسینی در کربلا جشن، شادمانی، رقص و پایکوبی به راه انداختند.»<sup>۲</sup>

سوء قصد نافرجام به ناصرالدین شاه که با طراحی و نقش محوری حسینعلی نوری صورت گرفت؛ یکی دیگر از خشونت‌های فیزیکی بهائیان است. این سوء قصد در سال ۱۲۶۸ هـ ق موجب کشته شدن هشتاد نفر از بایبان و بی‌خانمانی جمعی دیگر شد.<sup>۳</sup> از طرفی نیز نقش فعال میرزا حسینعلی نوری را در شورش‌های بایبان و تبعیدشان به کربلا در سال ۱۲۶۷ هـ ق را نباید نادیده گرفت.<sup>۴</sup> در مورد کسانی که در بغداد ادعای من یظهره اللهی کردند، باید گفت که با طراحی میرزا حسینعلی نوری و همکاری میرزا یحیی یا کشته شدند یا از

۱. کاشانی، جانی، نقطه الکاف، ص ۱۶۲

۲. افندی، شوقی، قرن بدیع، ص ۲۶۰

۳. نوری، عزیه خانم، تنبیه النائمین، ص ۵-۶

۴. نبیل زرنندی، محمد، مطالع الانوار: تلخیص تاریخ نبیل زرنندی، ج ۱، ص ۲۵۹-۲۶۰

ادعای خود دست برداشتند.<sup>۱</sup> عزیه خانم در مورد برخی از کارهای حسینعلی نوری این گونه می گوید:

«با آن ادعای حسینی کردن، اشرار شمر را به دور خود جمع نمودند. از هر نفسی که غیر از رضای خاطر ایشان نفسی برآمد، قطع کردند. از هر سری که جز تولای ایشان صدایی برآمد؛ کوبیدند و از هر حلقی که غیر از خضوع به ایشان حرفی بیرون آمد، پریدند...»<sup>۲</sup>

خسونت‌های بهائیت به همین موارد ختم نمی‌شود بلکه فتنه و جنگ‌های بزرگی مانند فتنه طبرسی، زنجان، نیریز و غیره به راه انداختند که نتیجه‌ی آن کشته شدن عده‌ی بسیاری از انسان‌ها بود.<sup>۳</sup>

حال سؤال این است؛ کسی که نمی‌تواند بین هم‌کیشان و هم وطنان خود صلح را جاری کند و خسونت‌ها را کنار بگذارند. آیا چنین فرقه‌ای می‌تواند حرف از صلح عمومی و جهانی بزند؟ یا اساساً توانایی برقراری صلح عمومی جهانی با آن همه اختلاف‌های نژادی، زبانی، دینی و غیره را دارد؟

#### ۵- بهائیت و رژیم صهیونیستی

عالی‌ترین نهاد مدیریتی بهائیت، بیت العدل است که در شهر حیفای سرزمین‌های اشغالی مستقر است؛ این خود حاکی از پیوندی عمیق بین بهائیت و رژیم صهیونیستی در پیشبرد اهداف هر یک از آن‌ها است. به طوری شوقی افندی در کتاب «حصن حصین شریعت الله» نظر مثبت خود و قاطبه بهائیان

۱. نوری، عزیه خانم، تنبیه النائمین، ص ۱۵-۱۶

۲. همان، ص ۱۱-۱۲

۳. نجفی، محمدباقر، بهائیان، ص ۵۱۱-۵۸۹

پیرامون تأسیس اسرائیل را اعلام کرد و از امتیازات دولت اسرائیل به فرقه بهائی  
خبر داده است

«مصدق وعده الهی به ابنا خلیل و وارث کلیم ظاهر و باهر و دولت اسرائیل  
در ارض اقدس مستقر و به استقلال و اصالت آیین بهائی مفتخر و به ثبت عقدنامه  
بهائی و معافیت کافه موقوفات بهائی در عکا و جبل کرمل و لوازم ضروریه بنای  
مرقد باب از رسوم یعنی عوارض و مالیات دولت و اقرار به رسمیت ایام تعطیلی  
بهائیان موفق و مؤید شده است...»<sup>۱</sup>

این فقط قسمتی از خدمات دولت صهیونیست برای بهائیت بوده است و در  
مقابل نیز بهائیان و زعمایشان در فلسطین و کشور اسرائیل، به هیچ وجه بر خلاف  
مصالح اسرائیل و صهیونیسم سخنی بر زبان جاری نکردند و آیینی که مدعی  
صلح و دوستی است، نه تنها نسبت به صدها هزار آواره فلسطینی و غضب حقوق  
مسلم ساکنان این آب و خاک هیچ گونه همدردی از خود نشان ندادند؛  
بلکه با جدیت به تحکیم روابط خود با صهیونیسم پرداختند. در نشریه  
رسمی محفل ملی بهائیان ایران آمده است:

«با نهایت افتخار و مسرت، بسط و گسترش روابط بهائیت با اولیای امور  
دولت اسرائیل را به اطلاع بهائیان می‌رسانیم و جمعی از دوستان بهائی در ملاقات  
با «بن گوریون» نخست وزیر اسرائیل احساسات صمیمانه بهائیان را برای پیشرفت  
دولت مزبور به او ابراز نمودند و او در جواب گفته است " از ابتدای تأسیس  
حکومت اسرائیل، بهائیان همواره روابط صمیمانه با دولت اسرائیل داشته‌اند."»<sup>۲</sup>



۱. افندی، شوقی، حصن حصین شریعت الله، ص ۱۲۴-۱۲۵

۲. منصور، جواد، تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد، ج ۱، ص ۳۳۲

از سوی دیگر پس از تشکیل دولت نوپای رژیم صهیونیستی، بهائیان ایران همگام با یهودیان، به تکاپو برای جمع آوری پول برای کمک به یهودیان اسرائیل افتادند. به عنوان نمونه ساواک در تاریخ ۱۳۴۹/۹/۹ گزارش می‌دهد: «چندی قبل بهائیان ایران نیز مبلغ هنگفتی که چندین میلیون تومان بوده به اسرائیل کمک کرده‌اند.»<sup>۱</sup>

از همه جالب‌تر در زمینه ارتباط تنگاتنگ بهائیت با رژیم صهیونیستی، سخنان خانم روحیه ماکسول، همسر آمریکایی شوقی ربانی است که در مورد رابطه بهائیت با اسرائیل و صهیونیسم گفته است:

«من ترجیح می‌دهم که جوان‌ترین ادیان (بهائیت) از تازه‌ترین کشورهای جهان (اسرائیل) نشو و نما نماید و درحقیقت باید گفت آینده ما (یعنی بهائیت و اسرائیل) چون حلقه‌های زنجیر به هم پیوسته است.»<sup>۲</sup>

با دقت در مطالب فوق می‌توان گفت، رابطه عمیق و تنگاتنگی بین بهائیت و رژیم صهیونیستی وجود دارد که این رابطه بهائیت می‌تواند به نوعی تأیید خشونت رژیم صهیونیستی در قتل و عام مردم بی‌دفاع فلسطین باشد؛ زیرا اگر این خشونت‌ها مورد تأیید بهائیت نبود؛ حداقل می‌بایست بهائیت این جنایات رژیم صهیونیستی را محکوم کنند و راه‌شان را از این رژیم جنایتکار جدا کنند. در حالی که بهائیت این کار را نکرده و این خود مخالف ادعای صلح جهانی بهائیت است.

۱. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سازمان یهودی و صهیونیست در ایران، ص ۵۳۶

۲. اخبار امری دیماه ۱۳۴۰ هـ. ش، ش ۱۰، ص ۶۰۱

## نتیجه‌گیری

یکی از تعالیم بهائیت وحدت عالم انسانی و ایجاد صلح جهانی است که بهائیت ادعا می‌کنند که تعالیم و آموزه‌های آنان می‌تواند منجر به وحدت عالم انسانی، جهانی فاقد جنگ و خشونت و صلح جهانی شود. در این راستا برای رسیدن به این امر یکسری راهکارها نیز در کتاب‌های آنان مشاهده می‌شود که این راهکارهای ایجاد وحدت عالم انسانی در مرحله عمل، اجرایی نیست و در حد یک نظریه بدون پشتوانه علمی است.

اهمیت بحث از این موضوع آن‌جا روشن می‌شود که بهائیت وجهه اصلی خود را در پشت این شعارهای زیبا پنهان کرده است و در سطح جهان با این شعارها عضوگیری و خود را آئین صلح معرفی کرده است. در حالی که حقیق امر برعکس، آن چیزی است که بیان می‌کنند. در این تحقیق نخست اثبات شد که بهائیت یک دین و آئین نیست بلکه یک فرقه است. دوم با بررسی کتاب‌ها و تاریخ بهائیت روشن شد که این فرقه ضاله از ابتدای پیدایشش تا به حال با خون و خونریزی و جنگ و خشونت بالا آمده است. در کتاب‌های این فرقه ضاله از خشونت معنوی یعنی توهین، افترا و غیره موج می‌زند و از طرفی جنگ‌ها و نزاع‌های و خشونت‌های خانوادگی و فجایع قلعه طبرسی، زنجان، نیریز و غیره همگی حاکی از خشونت‌های فیزیکی در این فرقه ضاله است. بنابراین فرقه‌ای که در بین پیروانش و خانواده‌اش نتواند صلح و صمیمیت را به ارمغان آورد؛ به نظر شما چگونه می‌تواند در سطح بین الملل با آن همه اختلاف نژادی، ادیان مختلف، ایدئولوژی‌های مختلف و غیره را به وجود آورد؟



## فهرست منابع

۱. آقائوری، علی، *خاستگاه تشیع و پیدایش فرق تشیع*، دوم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۷ هـ.ش.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، سوم: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۳. اسلمنت، جی ای، *بهاء الله و عصر جدید*، ترجمه بشیر الهی، دار النشر البهائیه، ۱۹۸۸ م.
۴. افندی، شوقی، *توقیعات مبارکه*، مؤسسه ملی مطبوعات امری، بی جا، ۱۲۵ بدیع.
۵. -----، *ظهور عدل الهی*، ترجمه نصرالله مودت، سوم: دار الانشاء محفل روحانی ملی بهائیان ایالت متحده، ایلینوی آمریکا، ۱۹۸۹ هـ.ق.
۶. -----، *قرن بدیع*، ترجمه نصرالله مودت، دوم: مؤسسه معارف بهائی، داندس - کانادا، ۱۹۹۲ م.
۷. -----، *حصن حصین شریعت الله*، مؤسسات مطالعات بهائی ایالات متحده، ویلمنت، ۱۹۶۵ م.
۸. اشراق خاوری، عبدالحمید، *گنجینه حدود و احکام*، سوم: مؤسسه ملی مطبوعات امری، تهران، ۱۲۸ بدیع.
۹. -----، *پیام ملکوت*، مؤسسه ملی مطبوعات امری هند، دهلی نو، ۱۰۸۶ م.





۱۰. -----، مائده آسمانی، مؤسسه ملی مطبوعات امری، تهران، ۱۲۹ بدیع.
۱۱. افندی، عباس، *خطابات*، ج ۱، ناشر فرج الله ذکی الکردی، مصر، ۱۳۴۰ هـ.ق.
۱۲. -----، ج ۲، ناشر مؤسسه ملی مطبوعات امری، تهران، ۱۲۷ بدیع.
۱۳. -----، *الواح وصایا*، ناشر ابوالقاسم گلستانه شیرازی، مصر، ۱۳۴۲ هـ.ق.
۱۴. -----، *مکاتیب*، ج ۲، ناشر مطبعه کردستان العلمیه، مصر، ۱۳۳۰ هـ.ق.
۱۵. اصفهانی، راغب، *مفردات ألفاظ القرآن*، اول: دار العلم - الدار الشامیه، لبنان - سوریه، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۱۶. باهنر، محمد جواد، *معارف اسلامی*، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۱ هـ.ش.
۱۷. تالر سینگر، مارگارت، *فرقه در میان ما*، ترجمه ابراهیم خدابنده، بی نا، بی جا، ۱۳۸۵ هـ.ش.
۱۸. شیرازی، علی محمد، *لوح هیکل الدین*، بی نا، بی جا، بی تا.
۱۹. طاهری، حبیب الله، *حقوق مدنی*، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۸ هـ.ق.
۲۰. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، سوم: کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۴۱۶ هـ.ق.

۲۱. فاضل مازندرانی، اسدالله، *اسرار الآثار خصوصی*، ج ۲، مؤسسه ملی مطبوعات امری، بی جا، ۱۲۴ بدیع.
۲۲. -----، ج ۳، مؤسسه ملی مطبوعات امری، بی جا، ۱۲۸ بدیع.
۲۳. -----، ج ۵، مؤسسه ملی مطبوعات امری، بی جا، ۱۲۹ بدیع.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، دوم: نشر هجرت، قم، ۱۴۱۰هـ ق
۲۵. قرشی، علی اکبر، *قاموس القرآن*، ششم: دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۱۲هـ ق
۲۶. قدیمی، ریاض، *گلزار تعالیم بهائی*، دوم: بی نا، تورنتو کانادا، ۱۹۹۵م.
۲۷. کاشانی، جانی، *نقطه الکاف*، مطبعه بریل، لیدن هند، ۱۹۱۰م.
۲۸. محفل روحانی ایالت متحده، *وعده صلح جهانی*، مؤسسه مطالعات بهائی ایالات متحده، ویلمنت ایلینوی، ۱۹۸۵م.
۲۹. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، دوم: نگارستان کتاب، تهران، ۱۳۸۲هـ ش.
۳۰. منصور، جواد، *تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد*، اول: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۸هـ ش.
۳۱. مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، *سازمان یهودی و صهیونیست در ایران*، انتشارات مطالعات پژوهش های سیاسی، تهران، ۱۳۸۱هـ ش.

۳۲. نبیل زرنندی، ملا محمد، مطالع الانوار: تلخیص تاریخ نبیل زرنندی، بی‌نا، تهران، ۱۳۵۶ هـ.ش.

۳۳. نجفی، محمدباقر، بهائیان، مشعر، تهران، ۱۳۸۰ هـ.ش.

۳۴. نوری، عزیزه خانم، تنبیه النائمین، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.

۳۵. نوری، حسینعلی، کتاب اقدس، مرکز جهانی بهائی حیف، بی‌جا، ۱۹۹۵ م.

۳۶. -----، اشراقات و چند لوح دیگر، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.

۳۷. -----، مجموعه الواح مبارکه، مطبعه سعاده، قاهره،

۱۹۲۰ م.

۳۸. نراقی، محمدمهدی، انیس التجار، اول: انتشارات دفتر تبلیغات، قم،

۱۴۲۵ هـ.ق.

۳۹. غلامی، نجفعلی، شبهه خشونت و پاسخ آن در آموزه‌های اسلام، کتاب

نقد، سال ۱۱، ش ۵۰ و ۵۱، ۱۳۸۸ هـ.ش.

۴۰. هزاوه‌ای، محمدرضا، معناشناسی خشونت، مجله: مطالعات راهبردی

زنان، ش ۲۳، بهار ۱۳۸۳ هـ.ش. اخبار امری دیماه ۱۳۴۰، ش ۱۰، شماره

صفحات مسلسل ۶۰۱، ژانویه ۱۹۶۲، آخرین پاراگراف صفحه.